

عنوان: بهبود معیشت فرهنگیان : رویایی دست نیافتنی

موضوع: آموزش و پرورش - ایران

پدیدآورنده: لاسمی، داود

نشریه: اعتماد، ۸۲/۳/۱۱

بازیابی: ۱۳۶۰۲۷۳۲

### بهبود معیشت فرهنگیان رویایی دست نیافتنی

گروه ای ایران از دیدگاه بنیانگذار بزرگ انقلاب مساله فرهنگ و آموزش و پرورش در راس مسایل کشور قرار دارد و معلمي شغل انبیاست. حتي خداوند این سمت را به خودش نسبت می‌دهد. الله ولي الذین آمنو یخرجهم من الظلمات الی النور. خدا ولي مومنان است و آنان را به وسیله انبیا و نزول آیه‌های وحی از ظلمت به سوی نور دعوت می‌کند. از نگاه رهبر معلمان پرورش‌دهندگان فکر و استعدادو شخصیت نسل‌های روبه‌رشد کشورند و چشم و چراغ این مملکت محسوب می‌شوند. رییس جمهور در آغاز نخستین دوره ریاست جمهوری خود ضمن سخنرانی در جمع معلمان نمونه اینطور بیان داشتند که شما درباره معلم وصف‌های خیلی خوبی شنیده‌اید تمجید و تجلیل از معلم ایجاب می‌کند تا بگوییم که معلم در این نظام چه پایگاهی دارد؟ و آن دیدگاهها چه آوار و نتایج عملی باید داشته باشد و از آن همه منزلت بیانی و ذهنی در مقام عمل چه چیز نصیب معلمان ما می‌شود؟ به جای اینکه مرتب سخن‌پردازی کنیم و توصیف‌های والا از معلمان بیآوریم بگوییم این معلم که اینقدر عزیز است بخصوص از نظر اسلام در مقام عمل چه چیز دستگیرش می‌شود؟ برای این‌کار باید ببینیم که در چه موقعیتی هستیم. باید ببینیم که جایگاه آموزش و پرورش و معلم در این نظام کجاست و چگونه باید باشد. ما از توسعه سخن می‌گوییم و در جست‌وجوی جامعه‌یی توسعه یافته هستیم. در توسعه‌یی که ما از آن سخن می‌گوییم آموزش و پرورش باید به عنوان مهمترین رکن توسعه و مولدترین بخش جامعه به حساب آید. اگر این دید را داشته باشیم آن وقت نمی‌توانیم منتظر باشیم که يك وزارتخانه و يك وزیر همه مشکلات را حل بکند در این راستا نیاز به تغییر بینش در همه اجزای جامعه و نیاز به يك عزم ملي و به کار گرفتن هم ه نیروها و اندیشه‌ها و توانها احساس می‌شود تا آموزش و پرورش در جایگاه واقعی خود قرار گیرد. بنابراین گزاره نیست که بگوییم اگر بخواهیم به يك جامعه مدنی متعال و انسانی برسیم باید به معلم و آموزش و پرورش بپردازیم. معلم از امتیازاتی که در این دنیا وجود دارد چه می‌خواهد؟ خوشبختانه معلمان ما نه قدرت داشتند و نه وُروت و نه خواستار وُروت و قدرت‌اند آنها منزلت می‌خواهند. شرط اول منزلت اجتماعی این است که زندگی معلمان طوری باشد که رغبت برای حضور در آموزش و پرورش زیاد باشد نه اینکه خدای ناکرده انتظار داشته باشیم که بهترین‌های جامعه ما بیایند و با دست خالی بروند در آنجا کار کنند. حل مشکل کارمندان باید با حل مشکل آموزش و پرورش شروع شود. به علت اینکه اول آموزش و پرورش بخش عظیم و مهم کارمندی ما را تشکیل می‌دهد و دوم اینکه سرنوشت همه خانواده‌ها به آن گره خورده است. معلم باید با فراغت بال و امنیت خاطر وظیفه بزرگ خود را انجام بدهد. بنابراین شرط اول پویا و پرمحتوا کردن آموزش و پرورش این است که در کنار منزلت اجتماعی زندگی معلم تأمین شود و اگر عدالت اجتماعی به معنی ایجاد فرصت‌های مساوی برای همه افراد همه مناطق و همه گروه‌ها برای دستیابی به امکانات يك زندگی بهتر است این فرصت‌ها باید در اختیار معلمان و اجزای آموزش و پرورش نیز قرار گیرد. آموزش و پرورش قبل از انقلاب مطلوب‌ترین بخش رسمی جامعه ما بود. متدین‌ترین متعهدترین مستقل‌ترین و با شخصیت‌ترین افراد حتی با تحصیلات بالا ترجیح می‌دادند در آموزش و پرورش به کار مشغول شوند. بطور کلی فرهنگیان در گذشته منزلت اجتماعی بیشتری داشتند و از رفاه نسبی برخوردار بودند. به عنوان مثال معلمي که ۲۴ سال قبل ماهانه ۲۸۰۰ تومان حقوق می‌گرفت حقوق ماهانه او چیزی

معادل ۴۰۰ دلار و به حساب امروز ۳۲۰ هزار تومان بود و اگر امروز چنین مبلغی ماهانه به او پرداخت شود تازه حقوقی را دریافت کرده است که در سالهای اولیه استخدام خود دریافت می‌کرد. در آن روز يك نفر معلم و یا کارمند می‌توانست قسمتی از حقوق خود را پس‌انداز کند و پس از چند سال با پس‌اندازهای خود صاحب خانه شود. يك ساختمان ویلایی که امروز در تهران بیش از یکصد میلیون تومان خرید و فروش می‌شود تنها حدود ۸۰ هزار تومان به فروش می‌رسید. با ۵۰۰۰ تومان انسان می‌توانست از سراسر اروپا دیدن کند. شکر کیلویی ۲۴ ریال بود. بهترین نوع برنج ایرانی با کیلویی کمتر از صد ریال عرضه می‌شد. موز صبح تا غروب کیلویی ۳۰ ریال بود و با روشن شدن چراغها می‌رسید به کیلویی ۱۰ ریال و حتی کمتر از آن. يك فرد تنها با ۲۰۰ تومان می‌توانست يك ماه راحت زندگی کند. کرایه اتاق هم بدهد و پس از پایان ماه مبلغی را هم پس‌انداز کند و می‌توانست با پس‌اندازهای خود و با استفاده از ۴۵ درصد تخفیف بلیت هواپیما به نقاط مختلف کشور و هر از گاهی به کشورهای مختلف دنیا مسافرت کند. فرهنگیان هم مانند کارمندان دیگر بن‌کمک‌های غیرنقدي دریافت می‌کردند اختلاف و تبعیض طبقاتی تا به این حد نبود. با گذشت زمان بتدریج که ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی و در نتیجه سطح درآمد خانواده‌ها کاهش می‌یابد فرهنگیان قدرت خرید خود را از دست می‌دهند. امتیاز استفاده از تخفیف بلیت هواپیما لغو می‌شود. پس از چندی از دریافت بن‌کمک‌های غیرنقدي هم محروم می‌شوند و با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دو ساعت به ساعت کار هفتگی دبیران در مدارس راهنمایی و دبیرستانها بدون هیچ افزایش حقوقی اضافه می‌شود تورم و گرانی بیداد می‌کند و در کنار آن بخصوص در سالهای اخیر که گاه مطالبی توهین‌آمیز در رسانه‌ها و سریالهای تلویزیونی در جهت تحقیر فرهنگیان عنوان شده و بدین وسیله حیثیت جامعه فرهنگیان به بازی گرفته می‌شود. این در حالی است که فرهنگیان در طی انقلاب و در طول جنگ شهدای بسیاری را تقدیم کرده و همواره در تمام صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه حضور فعال داشته و دارند. اینگونه برخوردی نابخوابا با فرهنگیان برای چه و چرا؟ شاید به جرم داشتن آگاهی و دادن مهارت‌ها و توانایی‌ها و شایستگی‌های لازم به فرزندان این سرزمین و به پاس فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها و تا نیمه‌های شب بیدار ماندن جهت مطالعه تهیه طرح درسی طرح سی‌وال بررسی تکالیف دانش‌آموزان تصحیح او راق و... باید که با آنان اینگونه برخورد شود. براساس معیارهای جهانی هم‌اکنون معلمان و بطور کلی فرهنگیان با توجه به پایین بودن میزان حقوق ماهانه تورم و گرانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این است که شعارهایی چون معلم چراغی است گیتی فروزمعلمی شغل انبیاست معلمان چشم و چراغ جامعه‌اند معلمی اشتغال نیست اشتغال است آموزش و پرورش مهمترین رکن توسعه محسوب می‌شوند و... دیگر کارایی ندارند و مشکلی را حل نمی‌کند. بنا به گفته پیامبر گرامی اسلام(ص): فقر مادی زمینه‌ساز گرایش به کفر است و به اعتقاد مولی علی(ع): کسی که معاش ندارد معاد ندارد اینجا است که امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه و در قالب دعا اینطور بیان می‌دارد: خداوندا از فقر به تو پناه می‌برم و در همین راستا معلم امروز به جای اینکه اوقات فراغت خود را به مطالعه و تحقیق بگذراند به شغل‌های دوم و سوم روی می‌آورد از بیشتر نیازها و خواسته‌های خود صرف‌نظر می‌کند و به دلیل تضاد طبقاتی رانت‌خواهی رانت‌خواری اختلاس مصرف‌گرایی اسراف تجمل پرستی انحصار پیدا و پنهان حیف و میل‌ها و بذل و بخشش‌ها ضعف مدیریت در کارها نبودن معیارهای درست و منطقی در توزیع و روت‌های جامعه تعارض بین جناح‌های سیاسی و عدم اجرای عدالت اجتم‌اعی که جامعه ما را با يك بحران بزرگ روبرو کرده است در کشورهای و روت‌مند از داشتن يك زندگی ایده‌آل محروم است.

داود لاسمی دماوند